



هدف امام حسین (ع) روشن کردن مفهوم اصلاح و سپس غلبه بر مظاهر فساد بود

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره عاشورا، سوال در مورد هدف حضرت اباعبدالله الحسین از این حرکت است و اینکه قیام امام حسین (ع) چگونه امر به معروفی بود که باید به این صورت انجام می‌گرفت؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره عاشورا، سوال در مورد هدف حضرت اباعبدالله الحسین از این حرکت است و اینکه قیام امام حسین (ع) چگونه امر به معروفی بود که باید به این صورت انجام می‌گرفت؟

به گزارش خبرنگار مهر، از زمان قیام سیدالشهدا (علیه السلام) سوال‌هایی در میان نخبگان و اندیشمندان و حتی مردم عادی مطرح بوده است که، انگیزه اصلی امام حسین (ع) از اقدام به چنین کاری چه بوده است؟ آیا دعوت مردم کوفه فلسفه قیام آن حضرت بوده، یا قیام امام (ع) علت دعوت کوفیان؟ آیا برقراری حکومتی اسلامی به شیوه امام علی (ع) علت اصلی و غایت نهایی این نهضت بوده است یا ایجاد اصلاحات و تغییرهای محدود در ساختار حکومت اسلامی هم می‌توانست هدف امام (ع) را تأمین کند؟ این پرسش‌ها و مانند آنها، هر کدام حاکی از نگرش‌ها و دیدگاه‌های خاص افراد به این حادثه است. با عنایت به چنین واکنش‌های گوناگون از زمان وقوع این حادثه تا به امروز، هر اندیشمند مسلمانی که با تاریخ عاشورا سروکار داشته است، به فراخور فهم و برداشت خویش از این واقعه، درباره قیام کربلا و اهداف آن، سخن گفته است. اندیشه بلند سالار شهیدان حضرت امام حسین بن علی (ع) که در قیام باشکوهش متبلور گشت، نمادها و ظهورات مختلفی دارد که هر یک از دانشمندان به نوبه خود، مطابق شخصیت علمی و فرهنگی خویش به دنبال چهره نهضت حسینی (ع) هستند و عمق باورها و حتی گرایش‌های آن حضرت را استنباط می‌کنند.

بخش هفدهم این سلسله مطالب مربوط به مباحث عاشورایی مرحوم آیت الله محمدتقی مصباح یزدی درباره اهداف نهضت عاشورا است.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره نهضت عاشورا، سوال در مورد هدف حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) از این حرکت است. در این باره به صورت کلی جواب‌هایی داده شده است که همه می‌دانند؛ مانند این که قیام آن حضرت برای احیای دین و اصلاح امت بوده است. اما در ذهن بسیاری از جوانان و نوجوانان ما در سایه این سوال کلی، چند سوال فرعی مطرح می‌شود و آن این که، با این حرکت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) چه اصلاحی صورت گرفت؟ قیام امام حسین (علیه السلام) چگونه امر به معروفی بود که باید به این صورت انجام می‌گرفت؟ و با این روش چگونه دین احیا می‌شود؟ آیا حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در هدف خود موفق شدند و توانستند با قیام خود، حکومت و امت اسلامی را اصلاح کنند و جلوی مفساد را بگیرند؟ این سوال‌ها در ذهن بسیاری از جوانان ما وجود دارد و گاهی آن‌ها را مطرح می‌کنند.

اصلاح مفساد، هدف اصلی قیام امام حسین (علیه السلام)

در وصیتی که آن حضرت برای برادرشان محمد حنفیه مرقوم فرمودند، جمله معروفی است که می‌فرمایند: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيراً وَ لَا بَطِيراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظالماً» ۱ یعنی من نه برای گردش و تفریح از مدینه بیرون می‌روم و نه برای این که فساد در زمین راه بیندازم و ظلمی بکنم «وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلى الله عليه وآله) فقط برای اصلاح در امت جدم خروج می‌کنم. اگر دقت کنیم، در تعبیر «لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ» نکته ای وجود دارد. امام (علیه السلام) نفرمود: «انما خرجت للإصلاح»؛ بلکه فرمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ» یعنی من در جستجو و در پی اصلاح هستم. نظیر این تعبیر در سخنرانی امام (علیه السلام) برای نخبگان و علما هم هست که فرموده بودند: «وَ لَكِنْ لِيُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ تَطْهَرَ الإِصْلَاحَ فِي يَلَدِكَ» ۲ این خطبه زمانی ایراد شد که هنوز صحبت از خروج و مبارزه با یزید مطرح نبود. امام (علیه السلام) در آخر این خطبه دعا می‌کنند و خطاب به خدای متعال می‌گویند: پروردگارا! تو می‌دانی که هدف ما از این فعالیت‌های سیاسی جز این نیست که معالِم دین تو و معیارهای اسلامی را به مردم نشان دهیم؛ یعنی نشان دهیم دین چیست و نشانه‌های آن کدام است و چگونه و با چه معیاری می‌توان افراد دیندار و افراد بی‌دین را شناخت؟ و نیز هدف ما این است که اصلاح را در بلاد تو ظاهر کنیم. کلمه «تَطْهَر» دو معنی می‌تواند داشته باشد؛ اول این که یعنی روشن کنیم اصلاح چیست، و دیگر آن که یعنی اصلاح را تحقق بخشیم و بر فساد، ظاهر و غالب گردانیم.

حال ببینیم حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) برای چه قیام کرد؟ برای این که یک نظام «خود ساخته» «متغیر» را بر مردم حاکم کند؟ آیا این اصلاح بود؟ یا گفت باید به همان احکامی که جدم آورده است عمل کنید؟ زمانی که می‌دید مدعی خلافت، مشروب خوار است و در حال مستی نماز می‌خواند، آیا او می‌گفت، اهلا و سهلا؟ اصلاح این است؟ یا می‌گفت باید بر مشروب

اصلاح یعنی چه؟ این که حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) فرمود: «إِذَا خَرَجْتَ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى» باید دید منظور حضرت حسین (علیه السلام) چه بود؟ در بین راه کربلا، در یکی از سخنرانی هایش فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ يَفْعَلْ وَلَا قَوْلَ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَّلُوا الْخُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ» اگر کسی ببیند که زورمرداری و سلطانی که با زور بر دیگران مسلط باشد و قدرتی در اختیار دارد، در سایه قدرت خود پیمان خدا را که عهد عبودیت است، شکسته «أَلَمْ أُعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» و آن اعبدونی هذا صراطُ مُسْتَقِيمٍ» این پیمان خدا است، اگر کسی دید که این شخص در پناه قدرت خود، سر از بندگی خدا پیچیده «مخالفا لسنة رسول الله»، با دستورات پیامبر (صلى الله عليه وآله) مخالفت کرده و به آنچه پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرموده عمل نمی کند، «يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان»، رفتارش با مردم همراه با گناه و تعدی است، اگر کسی چنین قدرتمندی را دید و با گفتار و رفتار خود روش او را تغییر نداد، یعنی با سخن یا با عمل کاری نکرد که این شخص به مسیر صحیح برگردد، اگر مسلمانی چنین چیزی را دید و کاری انجام نداد که او را از این رفتار غلط باز دارد، «كان حقيقاً على الله ان يدخله مدخله» حق خدا است که او را نیز با همان ستمکار وارد جهنم کند تا با ستمکاران همنشین شود؛ آن حاکم کار خلافی انجام داد، این شخص هم سکوت کرد. سکوت کردن در مقابل کار خلاف، مهر امضا بر عمل کسی است که مرتکب خلاف گردیده است و باعث می شود که شخص، همنشین خلفا کار بشود.

بعد می فرماید «و قد علمتم ان هؤلاء القوم قد لزموا طاعة الشيطان» کسانی که من با آن ها مواجه هستم، یعنی بنی امیه، ملازم اطاعت شیطان شدند «و تولوا عن طاعة الله» عهد خدا این بود که «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» این عهد را بر عکس کردند، اطاعت شیطان می کنند، اما خدا را اطاعت نمی کنند. «و اظهروا الفساد» مورد شاهد من این عبارت است. این ها فساد را ظاهر کردند، فساد را در جامعه پدید آوردند، چه کار کردند؟

در عطف تفسیر عبارت قبل می فرماید: «و عطلوا الحدود» حدود الهی را تعطیل کردند، در موردی که باید دست دزد را ببرند، نمی برند، جایی که باید زانی و زانیه را تازیانه بزنند، نمی زنند و آن جا که باید سایر احکام الهی را اجرا کنند، نمی کنند. این ها فساد است، در فرهنگ حسینی (علیه السلام) این ها فساد است.

«و استأثروا بالفیء» بیت المال را به خود و دار و دسته خود اختصاص دادند، بیت المالی که باید صرف همه مسلمانان بشود، امکاناتی که باید به طور یکسان در اختیار همه قرار بگیرد، در اختیار دار و دسته خود قرار می دهند، «و أحلوا حرام الله» آن چه را خدا حرام کرده می گویند نه، مقدار کم آن عیب ندارد! یا الآن اشکال ندارد! اسلام سیال است! فقه پویا می خواهیم! دیروز حرام بود، امروز حلال است! کاری کرده اند که حتی بچه های متدین می پرسند چه وقت رقصیدن حلال می شود؟ آیا هنوز حلال نشده است؟ چه زمانی دوست پسر گرفتن و دوست دختر گرفتن جایز می شود، هنوز آقایان اجازه نداده اند؟ می گویم این مسائل حلال شدنی نیست، چیزی که خدا حرام کرده حرام است. می گویند نه، خیلی چیزها هست که حرام بوده است حالا حلال شده است! چه وقت این ها حلال می شود؟ صادقانه سوال می کنند! فقه پویا را به این شکل تعریف می کنند، یعنی احکام خدا روزی تغییر می کند، چه کسی تغییر بدهد؟ قدرت حاکم! بعد امام (علیه السلام) می فرماید حال که این گونه شده است.

مگر پیامبر اعظم (صلى الله عليه وآله) نفرمود کسی که این رفتارها را تغییر ندهد با آن ها در جهنم همنشین خواهد بود در چنین زمانی چه کسی از من سزاوارتر است که علیه این ها قیام کند، تا این مطالب را تغییر دهد؟ «و انی أحق بهذا الامر» من سزاوارترین کسی هستم که باید این ها را تغییر بدهد. پس، حرکت من برای اصلاح این موارد است.

آن جا که گفتم «خرجت لطلب الاصلاح في أمة جدی» یعنی این مطالب، مصداق «اصلاح» این موارد است؛ باید حدود الهی برگردد، باید بیت المال مسلمین به طور یکسان در اختیار همه قرار بگیرد، باید مردم به طور یکسان از تسهیلات اقتصادی، اداری، قانونی استفاده کنند،

نه این که فقط خویش و قوم ها، دار و دسته، هم حزبی ها و هم جبهه ای ها از امکانات و تسهیلات استفاده ببرند. این ها فساد است و باید در مقابل این فسادها قیام کرد. حسین (علیه السلام) قیام کرد تا این فسادها را بر اندازد. اگر کسانی اصلاح طلبی را این می دانند، همان طور که رهبرانقلاب فرمودند، همه طالب چنین اصلاحی هستند، چه کسی با این اصلاح مخالف است؟ مگر کسی که مسلمان نباشد. البته هستند کسانی که با چنین اصلاحی مخالف اند، ولی آن ها همان کسانی هستند که به خدا و احکام خدا ایمان ندارند، دروغ می گویند که مسلمان اند، برای فریفتن من و شما ادعای اسلام می کنند. اصلاح خوب است اما اصلاح بر اساس سیستم اسلامی، بر اساس نظام ارزشی اسلامی، نه آنچه را که آمریکا یا سایر کفار اصلاح می دانند. برای ما

آمریکا یا هر کس دیگر چه تفاوتی می کند. چون او بیش تر اصرار می کند ما او را سمبل قرار داده ایم، و الا برای ما آمریکا با کسان دیگر فرقی نمی کند، هر کافری همین گونه است. دنیا می گوید این کارها خلاف اعلامیه حقوق بشر است، می گوئیم آن اعلامیه برای خودتان. ما تا جایی با این اعلامیه موافقیم که در فرهنگ اسلامی جایگاه خودش را داشته باشد. «خوب» در نظر ما آن است که اسلام می گوید خوب است، «بد» هم آن است که اسلام می گوید بد است؛ نه آنچه شما یا پارلمان اروپا یا کنگره آمریکا بگوید، گفته های آن ها برای ما حجت ندارد، مراجع تقلید ما باید بفرمایند، قرآن باید بفرماید، سنت پیامبراعظم (صلی الله علیه وآله) باید بفرماید.

امام حسین (علیه السلام) در بیان دیگری، مشابه همین می فرماید: «إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ لَازِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ وَ أَبْطَلُوا الْحُدُودَ وَ شَرَبُوا الْخُمُورَ»؛ این ها حدود الهی را باطل کردند، تعطیل حدود، یک مطلب است؛ باطل کردن، از آن بالاتر است.